

به نام خدا

سرشناسه: باخ، ریچارد، ۱۹۳۶ - م. Bach, Richard
عنوان و نام پدیدآورنده: اوهام ۲ / [ریچارد باخ]: مترجم غلامرضا لایقی
مشخصات نشر: تهران، نشر اطلاع، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۱-۳۱-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Illusion II: The Adventures of a Reluctant Student

موضوع: داستان های امریکایی -- قرن ۲۰م
موضوع: ۲۰Century -- American Fiction
شناسه افزوده: لایقی، غلامرضا، ۱۳۴۰، مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف ۳ الف ۳ / PS ۳۵۵۳
رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴
شماره کتابشناسی: ۵۴۳۳۴۰۱

عنوان کتاب: اوهام ۲
مترجم: غلامرضا لایقی
نمونه خوانی، رسم الخط: پروانه امیری
ویرایش: مریم سادات هاشمی
حروفچینی: حدیث حیدری
صفحه آرا: مریم رضوی، وحید شهبازپور
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۱-۳۱-۰
تاریخ انتشار: ۱۳۹۷
نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۱
نوبت چاپ: سوم، ۱۴۰۲
قیمت: ۲۰۰۰۰۰۰ تومان
نشر اطلاع، خیابان مطهری، نرسیده به شریعتی،
بن بست آرمان، پلاک ۵، واحد ۷
تلفن: ۸۸۴۲۸۵۷۷ فکس: ۸۸۴۵۶۲۵۱



978-600-6231-31-0

اوهقام ۲

ريچارڊ باخ

مترجم: غلامرضا لايقي

آنچه کرم ابریشم پایان جهان
می نامد، استاد پروانه می داند!

مقدمه

"اوهام!" کتابی که فکر نمی کردم ادامه ای داشته باشد. یک کلمه به آن اضافه کنم؟ داستانی متفاوت بنویسم؟ ممکن نیست!

تا آگوست ۲۰۱۲، سی و پنج سال بعد از آن که منتشر شد بر این باور بودم.

آن روز برای نخستین بار در زندگی ام؛ در پروازم، در پنجاه و هشت سال رکورد پرواز بی حادثه ام، کمی مشکل داشتم. آن پرواز چند روزی مرا کشت و هواپیمایم را خراب کرد.

هنگامی که مرا با هلیکوپتر به بیمارستان بردند رؤیای خوشی داشتم؛ آنها تصور می کردند که می میرم، برای جسم بی جانم همه کار کردند. یک هفته بعد در مواجهه با منظره عجیبی به هوش آمدم در یک بیمارستان! وقتی در لبه پرتگاه مرگ هستیم و می دانیم که مرگ بخش زیبا و لذتبخش زندگی است، بی درد، بی تنش و با عافیت کامل؛ مردن بسیار آسان است.

وقتی به هوش آمدم، به من گفتند که یک سال طول می کشد تا بهتر شوم و یاد بگیرم چگونه حرف بزنم، بایستم، بدوم، بخوانم، رانندگی کنم و هواپیمایم را برانم. آن هواپیما درهم شکسته بود! نمی دانستم چرا زنده ام، آن سوی مرگ چه عهدهی بسته بودم؟ بی تردید پاف^۱، هواپیمای آبی من باید دوباره می پرید.

زندگی امروزم، تجربه یک سقوط، سقوط مرگبار، یقینِ سابرینا^۲ که من از هر حادثه ای جان سالم به در می برم؛ برخوردم با مسیحای اوهام؛ دانلد شیمودا^۳ و دیگر آموزگارانم، با پاف بازسازی شده، برای این است که این داستان بیان شود.

هر نعمتی ممکن است مصیبت شود و هر مصیبتی نعمت!

آیا مصیبت های سخت، همیشه نعمت می شوند؟ امیدوارم که این طور باشد، امیدوارم بتوانم، ماجراهای آرام خود را داشته باشم و آنها را بنویسم، بی آن که نیاز به مردن باشد!

ریچارد باخ - دسامبر ۲۰۱۳

۱. نام هواپیمای آبی ریچارد باخ است

2. Sabryna

3. Donald Shimoda

34. استاد آزمون‌هایی را که برگزیده بود به پایان رساند و آنها را برای یک عمر ورای زمین پشت سر گذاشت. او در آن زمان دریافت که نه با آموزگاری برای هزاران تن، بلکه اگر فرشته نگهبان تنها یک تن باشد می‌تواند از حیات یک منجی فراتر رود!

35. آن چه استاد نمی‌توانست برای جهانت زمینی انجام دهد، برای دوستش انجام داد که به فرشته نگهبانش اعتماد داشت و به سخنانش گوش می‌کرد.

36. دوستش عاشق تصور دوستی فناپذیر بود که در تلاقی جهان‌های زمان و مکان افکاری به ذهنش می‌رسید.

37. آن زمان که خودِ فانی‌اش در جست‌وجوی ادراک بود، استاد اندیشه‌هایی پیشنهاد کرد؛ که از طریق اتفاق، به زبان حوادث و ماجراهای زندگی سخن می‌گفت.

38. استاد داستان‌هایی را زمزمه کرد؛ آزمون‌هایی که دوست فانی‌اش فکر می‌کرد در خیال خود ساخته، داستان‌هایی که در اوهام باور انسان شناور بود؛ او همچنان که در درون آنها را می‌دید، نوشت.

39. از آن داستان‌ها، باورهای خود فانی‌اش دگرگون شد. او

دیگر در گروه‌های دیگران نبود، او نهایتاً سرنوست خویش را آغاز کرد و آینه‌ای برای والاترین نشئه‌ی خود گردید.

۴۰. اکنون در مکان و زمان یک منجی از راه دور بود، استاد با تهرین، آموزگاری گردید که آموزه‌هایی غیر منتظره ارائه نمود، اندیشه‌هایی که همواره برای خود فانی‌اش کامل‌تر از درک خود زندگی بود.

۴۱. هر آزمون، بیست‌ر آنها، که استاد طراحی کرد تا چالش‌های پیشرفته‌تری برای فناپذیر عزیزش باشد.... نویسنده، ریچارد باخ شنبه در مرکز درمانی "هارتروو" در فهرست افراد اورژانسی قرار گرفت با پشت و پایی شکسته و سری مجروح که در حادثه فرود هواپیمای آبی آزمایشی خود صدمه دیده! پاف هواپیمای باخ با کابل‌های فشار قوی برخورد کرد و واژگون شد و خلبان بیهوش در اتاق خلبان نزدیک آتشی شعله‌ور از کابل‌های از هم گسیخته و پاره شده قرار داشت. این نویسنده تاکنون در بیهوشی به سر می‌برد.